

## بررسی جایگاه آمران به معروف و ناهیان از منکر در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۵

محمد مظهری \*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۴

اویس قندهاری \*\*

### چکیده

امر به معروف و نهی از منکر، قانونی طبیعی و برخاسته از سرشت انسانی و سرنوشت اوست که عقل نیز وجوب آن را در جامعه بشری به اثبات می‌رساند. اصل هشتم قانون اساسی، دعوت به خیر را یک «وظیفه همگانی» می‌شمارد، بنابراین در جامعه اسلامی باید شاهد اجرای این عمل به عنوان یک وظیفه قانونی برآمده از تعالیم و احکام اسلامی باشیم. این اصل با احاله تعیین شرایط و حدود و کیفیت آن به قانون، راهکار مهمی را در رفع ابهامات مسیر اجرا مشخص کرده است. بر این اساس، تعیین مصادیق، سازمان و نهاد عمل‌کننده، مجریان و شیوه عملکرد از مهمترین اموری هستند که قانون باید نسبت به آنها تعیین تکلیف نموده باشد. این مطالعه در پی پاسخ به این سوال است که آمران به معروف و ناهیان از منکر چه جایگاه و حدود و اختیاراتی را در نظام حقوقی کشور و بالخصوص در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر دارند؛ فلذا با روش توصیفی و تحلیلی، ضمن تبیین جایگاه و حدود و اختیارات آنها در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران به نقد و بررسی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و شرایط اجرای آن از جمله: علنی بودن رفتار و عدم تجاوز به حریم خصوصی، عدم اقدام عملی برای امر و ناهی، عدم توسل به اعمال مجرمانه و تعلیم و تعلم پرداخته است.

### واژگان کلیدی

جایگاه حقوقی، آمران به معروف، ناهیان از منکر، اصل هشتم، حمایت

\* استادیار گروه حقوق دانشگاه تبریز

M.mazhari@tabrizu.ac.ir

\*\* کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تبریز

Oveys\_gh93@ms.tabrizu.ac.ir

## مقدمه

اسلام کامل‌ترین برنامه زندگی انسان است که بهترین و مناسب‌ترین احکام را در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی به بشریت عرضه نموده است و همچنین جهت ضمانت و حسن اجرای احکام و قوانین در جامعه روش‌های خاصی را به کار گرفته که فریضه امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت عمومی و همگانی مسلمانان یکی از آنهاست. در جامعه اسلامی از صدر اسلام، پیامبر گرامی و پیشوایان معصوم (ص) و نیز اصحاب ایشان، از امر به معروف و نهی از منکر، در جهت پاسداری از اصول مکتب، به مثابه موثرترین ابزار و نیز یک تکلیف الهی، بهره گرفته‌اند. مسلمانان آن را وظیفه خود دانسته و به اجرای این دو فریضه بزرگ پایبند بوده و اهمیت خاصی برای آن قائل بوده‌اند زیرا خداوند این اصل تابنده را صراحتاً در حدود ده آیه از آیات قرآن کریم مورد توجه جدی قرار داده و انجام آن را از ویژگی‌های اهل ایمان به شمار آورده است. گستردگی آثار با ارزش این فریضه الهی نسبت به آثار دیگر فرایض، به حدی است که بی‌گمان باید پذیرفت امر به معروف و نهی از منکر، از برجسته‌ترین و عالی‌ترین واجبات الهی است و برترین دینداری نیز در اجرای آن نهفته است. بنابراین، پژوهش و شناخت درباره اجرای این دو وظیفه دینی، لازم و مفید و در اولویت می‌باشد.

فلذا می‌بایست نظارت و ارشاد در هر سه بُعد آن یعنی مردم بر مردم، مردم بر مسئولان و مسئولان بر مردم به بهترین نحو ممکن انجام بگیرد تا با مقابله علیه فسادها و جلوگیری از اشتباهات، زمینه رشد و تعالی هر چه بیشتر جامعه فراهم آید. اما از آنجا که ممکن است اعمال نظارت موجب هرج و مرج، بی‌نظمی و اعمال خودسرانه شود، امروزه در قانون اساسی کشورها اصولی گنجانده شده است که این اعمال نظارت را قانونمند می‌سازد و راهکارهای اجرای هر کدام و حد و حدود آن را مشخص می‌سازد. از طرف دیگر، نحوه اجرا و اعمال این نظارت در نتیجه رشد و تحول جوامع تغییر می‌یابد. امروزه نهادها، قوه‌ها، احزاب، تشکل‌ها، رسانه‌ها، مطبوعات و... وظیفه امر به معروف و نهی از منکر یا همان مسئولیت همگانی را بر عهده دارند. در حقیقت هر گاه مردم بخواهند بر مسئولان و حاکمان خود نظارت داشته باشند و آنها را از خطاها و اشتباهات باز دارند به

این تشکل‌ها پیوسته و از طریق آنها اهداف خود را دنبال می‌کنند. مسئولان نیز از طریق سیستم‌ها و فرآیندهای پیچیده حکومتی مانند قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قانون و مقابله با قانون شکنان، این وظیفه را انجام می‌دهند.

در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این مقوله مهم با ابعاد سه گانه آن تبیین گردیده است. با توجه به اهمیت این فریضه در اسلام و وجود این اصل و علاوه بر آن تصویب «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» مصوب ۱۳۹۴/۰۱/۲۳ و تنقیح در این قوانین، جایگاه حقوقی آمران به معروف و ناهیان از منکر در حقوق ایران مشخص می‌شود که در ادامه با توجه به انواع حمایت از آمران و ناهیان و حدود و ضوابط و شرایط اجرا به آن پرداخته خواهد شد.

این پژوهش با این فرضیه که آمران به معروف و ناهیان از منکر دارای جایگاه ارزشمند و خطیری در نظام حقوقی کشوراند و باید دارای اختیارات و حدودی باشند به تبیین جایگاه حقوقی آمران به معروف و ناهیان از منکر در جامعه با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای پرداخته است که به عنوان اولین نوشتار و تحقیق در این زمینه تلقی می‌گردد؛ لکن پژوهش‌های مختلفی به موضوع «امر به معروف و نهی از منکر» اختصاص دارد که بدون اشاره به جایگاه آمران و ناهیان به تشریح موضوع پرداخته‌اند. در این باره می‌توان به پژوهش «بررسی مقایسه‌ای بسط کتاب امر به معروف و نهی از منکر در مقایسه با سایر ابواب فقهی» اثر یزدان‌شناس و همکاران؛ «بررسی تطبیقی احکام فقهی امر به معروف و نهی از منکر با اعلامیه جهانی حقوق بشر» اثر درویش‌پور و همکاران؛ «امر به معروف و نهی از منکر (کیفیت اجرائی آن در جامعه)» اثر زارعی و همکاران - که تمامی این آثار در قالب پایان‌نامه می‌باشد - اشاره کرد؛ چنان‌که در ابتدا به چارچوب نظری موضوع و سپس سابقه تقنینی آن پرداخته و بعد آن، با عنایت بر قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، جایگاه آمران و ناهیان (حقوق و تکالیف آنان) را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

## ۱. مبانی نظری

درک درست از امر به معروف و نهی از منکر و عملیاتی کردن آن در بین افراد جامعه، مستلزم آگاهی از فلسفه آن یعنی چیستی (ماهیت)، چرایی (ضرورت و اهداف) و

چگونگی (اصول و روش) می‌باشد؛ موضوع چرائی یعنی اهداف شامل دستیابی فرد و جامعه به کمال، اصلاح جامعه، بصیرت و خودآگاهی، تعهد آفرینی، جهانی شدن نیکی‌ها، ضامن اجرای قوانین الهی و منشا و ظهور و بروز رحمت الهی است؛ و چگونگی، دربردارنده اصول دارا بودن معرفت، اصلاح شرایط، مسئولیت پذیری اجتماع، پاسداشت کرامت آدمی، تذکر و عمل‌گرایی؛ متناظر با آن‌ها روش‌های اعطای بینش، زمینه‌سازی، تغییر موقعیت، مواجهه با نتایج عمل، تحریک ایمان، کلام نرم و لین، اندرز و موعظه و الگوسازی می‌باشد که توضیح درباره‌ی این امور از بحث ما خارج است. بنابراین در ادامه تنها به توصیف ماهیت، شرایط و مراتب آن می‌پردازیم.

#### ۱-۱. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر که از فروع دین اسلام برشمرده شده است، در واقع به معنای حق دخالت مردم در امور اجتماعی خود و عدم سکوت در خصوص انحرافات است که در شئون مختلف جامعه انجام می‌شود. همچنین این اصل از جمله راهکارهای اساسی در کنترل و تحدید قدرت در فقه سنتی شیعه به شمار می‌رود و بر اساس آن مردم موظفند که در قبال ناهنجاری‌های فردی و یا اجتماعی مردم عادی و یا حاکمان و کارگزاران سکوت نکرده و در صورت وجود شرایط، دیگران را به خوبی‌ها دعوت و از بدی‌ها بازدارند. (ایزدهی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۶) برای رسیدن به مفهومی دقیق از امر به معروف و نهی از منکر، شناخت واژه‌ها در ابتدا الزامی می‌نماید تا بتوان از شناخت واژه‌ها پی به مفهوم برد.

واژه امر «أ م ر» در اینجا به معنای طلب (درخواست) است، مراد از طلب، ابراز اراده و خواست با گفتار، نوشتار و یا اشاره و مانند این‌ها است. بنابراین، صرف اراده و رغبت بدون ابراز آن، طلب نامیده نمی‌شود. در این که در صدق عنوان امر، علو، یعنی صدور طلب از شخص بلندمرتبه و استعلا یعنی امر با اظهار برتری، هر دو معتبر است یا تنها بلند مرتبه بودن امر و صدور طلب از شخص عالی در صدق عنوان امر کفایت می‌کند - هر چند همراه با فروتنی شخص عالی باشد- یا وجود یکی از علو و استعلا شرط است و یا هیچ کدام شرط نیست، اختلاف است. بنا بر اعتبار علو، درخواست فرد پایین مرتبه

از بالاتر خود، امر به شمار نمی‌رود بلکه استدعا است؛ چنان که درخواست از همسان، التماس نامیده می‌شود. همچنین ماده نهی حروف «ن، ه، ی» است که در لغت به معنای بازداشتن و در اصطلاح عبارت از این است که شخصی عالی (دارای مقام بالا) از دانی (دارای مقام پایین) در خواست ترک فعلی را بکند و این درخواست هم با به‌کارگیری کلمه نهی و مشتقات آن صورت پذیرد.

معروف از ماده «عرف» به معنای «شناخته شده» آمده و ریشه آن معرفت و عرفان است. (افرام البستانی، ۱۳۷۶، ص ۸۷۴) امر به معروف در اصطلاح به معنای فرمان دادن به هر کاری است که حُسن آن از نظر عقل و شرع شناخته شده است و نهی از منکر به معنای بازداشتن از هر کاری است که حُسن آن از منظر عقل و شرع ناشناخته است یا عقل یا شرع به قُبْح آن حکم می‌کند. (الفیروزآبادی، ۱۳۴۲، ص ۵۷) در منابع، تعبیراتی گوناگون در تعریف امر به معروف و نهی از منکر شده؛ ولی از مجموع آنها همین معنا قابل استنباط است (جرجانی، ۱۳۷۷، ص ۵۰) از مباحثی که مشترکاً در منابع کلامی و فقهی دنبال شده، گستره معروف و منکر است. البته در شمول معروف و منکر بر واجب و حرام تردیدی نیست؛ ولی در شمول آن بر مستحب و مکروه اختلاف است.

از تعبیر احادیث و فقها می‌توان استفاده کرد که امر به معروف و نهی از منکر معنایی فراگیر دارد و می‌تواند در قالب موعظه و نصیحت نیز محقق شود، همچنان که برخی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر بدون هرگونه گفتاری محقق می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت امر به معروف و نهی از منکر در اصطلاح عبارت است از هر اقدامی که به تحقق معروف کمک و از وقوع منکر جلوگیری کند؛ چه با گفتار باشد و چه با کردار و رفتار. (النجفی، ۱۳۵۱، ص ۳۸۱) در عین حال برخی از فقها با الهام از مفهوم کلمه «امر» و «نهی» شرط کرده‌اند که امر به معروف و نهی از منکر از موضع برتر و آمرانه باشد؛ مثلاً باید گفت «نماز بخوان» و «شراب ننوش» و با خواهش و موعظه کردن امر به معروف و نهی از منکر محقق نمی‌شود. (الموسوی‌الخمینی، ۱۳۸۴، ص ۴۶۵)

تعلیم جاهل نیز هرچند اصطلاحاً با امر به معروف و نهی از منکر متفاوت است؛ ولی با همان ملاک واجب شده است. از این رو در برخی روایات بر آموزش جاهل نیز امر به معروف و نهی از منکر اطلاق شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱): «إِنَّمَا يُؤْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يُنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَوْمِنٌ فَيَتَعَزَّ أَوْ جَاهِلٌ فَيَتَعَلَّمُ» (المجلسی، ۱۳۶۲، ص ۷۱)

در منابع حدیثی شیعه روایاتی که در باب امر به معروف و نهی از منکر گرد آمده، قابل ملاحظه است. از مجموع این روایات می‌توان استفاده کرد که اسلام با نگرشی جامعه‌گرایانه می‌خواهد همه افراد جامعه اسلامی به گونه‌ای تربیت شوند که نسبت به رفتار یکدیگر احساس مسئولیت کنند زیرا مصالح و سعادت دنیوی و اخروی افراد جامعه به یکدیگر مرتبط است و بر این پایه نقش امر به معروف و نهی از منکر ممتاز و برجسته شده است.

### ۲-۱. شرایط امر به معروف و نهی از منکر

این دو فریضه را موكول به ۴ شرط کرده‌اند؛ یعنی باید امر و نهی کننده:

- معروف و منکر را بشناسد.
- احتمال تأثیر دهد.
- مخاطب را مصرّاً بر گناه بیابد.
- بر امر و نهی مفسده‌ای همچون ضرر مالی و جانی مترتب نباشد. (محقق حلّی، ۱۳۶۷، ص ۳۴۲)

برخی بر شرط‌های چهارگانه فوق شرط عدالت را نیز افزوده‌اند؛ یعنی امر و نهی کننده، خود نیز باید واجبات را انجام دهد و از محرمات بپرهیزد. آنان برای لزوم این شرط افزون بر روایات، به شماری از آیات نیز استدلال کرده‌اند. (الطبرسی، ۱۳۶۷، ص ۲۰۳)

### ۳-۱. مراتب امر به معروف و نهی از منکر

این دو فریضه دارای مراتب سه گانه قلبی، زبانی و عملی است. از این مراحل به «انکار قلبی» «انکار زبانی» و «انکار با دست» تعبیر می‌شود. (محقق حلّی، ۱۳۶۷، ص ۳۴۳) همین مراحل در برخی روایات نیز آمده است. بر پایه روایتی امام باقر<sup>(ع)</sup> فرمود: با دل‌های خود منکر را ناخوش دارید و با زبان‌های خود از آن باز دارید و با دست خود بر پیشانی کسانی که مرتکب آن می‌شوند بکوبید و در راه خدا از سرزنش هیچ‌کس بیم نداشته باشید. (حرعاملی، ۱۳۷۲، ص ۴۰۳)

فقیهان بر این نکته تأکید دارند که در هر مرحله از مراحل امر به معروف و نهی از منکر، ابتدا لازم است که از مراتب خفیف‌تر شروع کرد و در صورت عدم تأثیر، گزینه‌های

شدیدتر را انتخاب نمود. (النجفی، ۱۳۵۱، ص ۳۷۸) برخی از ایشان بر این باورند که چون با وجود حکومت اسلامی، امکان ارجاع مراتب مربوط به امر و نهی عملی به نیروهای انتظامی و قضایی وجود دارد، وظیفه آمران و ناهیان، فقط امر و نهی زبانی می‌باشد؛ به‌ویژه در مواردی که جلوگیری از منکر، مستلزم تصرف در اموال انجام‌دهنده منکر یا تعزیر یا زندانی کردن وی و نظایر اینها باشد. «در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار با حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است که در صورت وجود شرایط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۸، ص ۱۹۰)

#### ۴-۱. جلوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

اصل اسلامی نظارت عمومی و همه مسئول هم بودن و وظیفه همگانی و متقابل دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر که بر عهده همه مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت قرار دارد، به نظام آن توانایی را می‌بخشد که به صورت مداوم سطح آگاهی‌های مردم و کارایی و قدرت کنترل داخلی را تا آن حد بالا ببرد که هرگز قدرتی به فساد کشیده نشود و طرز فکر و خواسته‌ی مردم از حدود حق و خیر تجاوز ننماید و راه نفوذی برای منحرفین و قدرت طلبان و سودجویان باقی نماند. برای تحصیل این اصل ناگزیریم طرح کاملی را که اسلام در چهار مقطع به منظور ایجاد زمینه‌ی رشد و بالندگی جامعه‌ی اسلامی بیان داشته است. (عمید زنجانی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۷) در این جا بیاوریم:

#### ۴-۱-۱. تعلیم و تعلم

تعلیم و تعلم در تمام سطوح به صورت ریزش مداوم آموزش از سطوح بالا به پایین و جذب و دریافت مستمر در سطوح پایین‌تر نسبت به سطوح بالا است. قرآن و متون اسلامی در این زمینه آکنده از نصوص جالبی است، پیامبر خدا (ص) فرمود: خدا یاری کند بنده‌ای را که سخن مرا بشنود و در گوش گیرد و حفظ کند و به کسانی که نشنیده‌اند برساند، چه بسا حامل (رساننده) علمی که خود دانا نیست و چه بسا حامل علمی که به داناتر از خود رساند. (یعنی بسا شنوندگانی پیدا شوند که معنی سخن مرا از رساننده و

مبلغ آن سخن بهتر درک کنند) (کلینی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۵) با اجرای این مرحله در جامعه اسلامی عمده‌ترین پایگاه سوءاستفاده قدرت که جهل است نابود می‌گردد.

#### ۲-۴-۱. دعوت به خیر و ارشاد

دعوت به حق و خیر و ارشاد و هدایت فکری در زمینه حق و باطل و نیز خیر و شر، به عنوان وظیفه متقابل همگانی مقرر شده است.<sup>۲</sup> در این مرحله توده‌های مردم توسط آگاهان امین و متعهد جامعه دائماً نسبت به امور آگاهی‌های لازم را دریافت می‌کنند و در متن جریان حق و ضمیر قرار می‌گیرند و راه نفوذ فریبکاران و سودجویان انحصارطلب بسته می‌شود.

#### ۳-۴-۱. نصیحت و خیرخواهی

خیرخواهی و دلسوزی که در متون اسلامی از آن به «نصح» تعبیر شده است. بنا بر اصل «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (المجلسی، ۱۳۶۲، ص ۷۵) مردم خود را در مسئولیت دیگران سهیم می‌بینند و سرنوشت همه را از خود و سرنوشت خود را مربوط به دیگران تلقی می‌کنند و این پیوند عواطف جامعه را یکجا به هم گره می‌زنند و مانند سرنشین اتومبیلی است که در کنار راننده آن از سرعت زیاد اتومبیل می‌هراسد و با دلسوزی و خیرخواهی راننده را به مراعات مقررات رانندگی هشدار می‌دهد زیرا که سرنوشت خود را گره خورده به سرنوشت راننده می‌بیند. کلینی در اصول کافی فصلی را به عنوان «النصیحه لِأَنَّمَهُ الْمُسْلِمِينَ» اختصاص داده است. امام صادق (ع) آن‌گاه که مسئولیت‌ها و وظایف اعضای بدن را در برابر خدا می‌شمارد می‌فرماید: «و زكاه أَلْسَانِ النَّصِیحَةِ لِلْمُسْلِمِينَ وَ التَّيَقُّظُ لِلْغَافِلِينَ» (المجلسی، ۱۳۶۲، ص ۷) در این مرحله انتقاد سالم و سازنده که از عواطف و تعهد به مسئولیت و سرنوشت مشترک ناشی می‌شود از تمامی ابعاد و زوایای جامعه زنگارها را می‌زداید.

#### ۴-۴-۱. امر به معروف و نهی از منکر به معنی اخص

امر به معروف و نهی از منکر که از فرائض بزرگ دینی و ضامن اجرای احکام الهی بوده و در احادیث اسلامی با عنوان «بِهِمَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ» نام برده شده است. منظور از امر به



معروف و نهی از منکر ایجاد زمینه تحقق معروف و اعمال و شیوه‌های صالح و منتفی کردن زمینه‌های بروز منکر و اعمال ناشایست و فساد و تباهی‌ها است و به همین دلیل کیفیت انجام این مرحله به گونه‌های مختلف امکان‌پذیر است و در حقیقت در هر مورد باید زمینه مناسب آن ایجاد گردد تا به تحقق معروف یا منتفی کردن زمینه منکر بینجامد.

## ۲. بررسی سابقه تقنینی برای آمران به معروف و ناهیان از منکر

اگر در پرتو قانون به موضوع نگریسته شود، لازم است که مصادیق آن چه معروف یا منکر تلقی شود، حداقل در قالب عبارات کلی روشن گردد. در تعاریف مندرج در منابع فقهی، شاخص معروف و منکر، حکم شرع و عقل مقرر شده است. (قربانی لاهیجانی، ۱۳۷۹، ص ۳۴) که در حقوق موضوعه و بویژه آنچه مورد نظر این نوشتار است باید آن را حکم قانون معنا نمود. البته این امر الزاماً به معنای حرکت غیر شرعی نیست. در جمهوری اسلامی ایران با نظارت شرعی فراگیری که در مقام تقنین وجود دارد. فرض قاطع آن است که هر آن چه جلوه قانونی می‌یابد، مطابق با شرع می‌باشد. نسبت مفهومی معروف و منکر و انطباق‌پذیری آن با تحولات اجتماعی نیز موجد این معنا است که جز در مواردی که شارع مقدس خود به بیان صریح مصادیقی از معروف‌ها و منکرها اهتمام ورزیده است در سایر موارد باید به قانونگذار اجازه داد که مصادیق آنها را در امور مستحدثه و جدیدی که سابقه در منابع اصلی حقوق اسلامی ندارند، برشمارد. بنابراین «نمی‌توان ادعا کرد که معروف و منکر همیشه یک مفهوم دارد و با تغییر نظام‌های اقتصادی و سیاسی دگرگون نمی‌شود». (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۵۱۰) این دو مفاهیمی اجتماعی هستند که همانند هر نهاد و تأسیس اجتماعی دیگر، مشمول دگرگونی و تغییر هستند مگر آن‌که ادعا شود که اجتماع، ثابت بوده و از هرگونه تغییر مبرا است.

اقامه امر به معروف و نهی از منکر صادقانه، یک وظیفه عمومی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی و نظارت عمومی است؛ همان‌طور که ایشان دستور به «احیای ستاد امر به معروف و نهی از منکر» را در سال ۱۳۷۲ صادر کردند. البته امر به معروف و نهی از منکر حوزه‌های گوناگونی دارد و غایت آن احساس مسئولیت و تعلق در حوزه‌های اجتماعی و سرنوشت جامعه‌ی اسلامی است. اقامه امر به معروف و نهی از منکر به معنای این است که آحاد مردم برای پیشرفت

و حیات جامعه اسلامی، خود را مسئول بدانند. وظیفه تمامی دستگاه‌های حکومت نیز حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر می‌باشد و حمایت کیفری از آمران به معروف و ناهیان از منکر مستلزم رویکردی متمایز و نیازمند توسل به یک سیاست جنایی افتراقی است. این حمایت‌ها می‌تواند بسترهای لازم برای حضور آحاد مردم معتقد و متدین را برای صیانت از نظام و انقلاب اسلامی تضمین نماید. البته وضع قانون به معنای ریل-گذاری است و دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی وظیفه دارند تا عوامل بروز منکرات و یا سستی در اقامه معروف را شناسایی و برای ارتقای نهاد امر به معروف و نهی از منکر تلاش کنند. در طول تاریخ انقلاب اسلامی و بعد آن، قانون‌ها و مقررات مختلفی وضع شده‌اند که از میان آن‌ها تنها تعداد کمی از قوانین به صراحت به بحث امر به معروف و نهی از منکر پرداخته‌اند که در ذیل به آنها خواهیم پرداخت.

#### ۱-۲. بررسی سابقه تقنینی در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. (مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت، این خواست اساسی را مشخص کرده است. اصل هشتم قانون اساسی در مورد امر به معروف و نهی از منکر چنین می‌گوید: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یاأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»».

این که امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از اصول قانون اساسی مطرح شده به دلیل آن است که امر به معروف و نهی از منکر در دین مبین اسلام جایگاهی مهم و رفیع دارد. از این جهت طبیعی است که از ابتدای استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران تا کنون همیشه دغدغه، نگرانی و به تبع آن عزمی برای ترویج و تثبیت امر به معروف و

نهی از منکر به عنوان یک فریضه دینی در فرهنگ عمومی و رفتار مردم جاری و حاکم بوده است.

## ۲-۲. بررسی سابقه تقنینی در قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها

به طور کلی در فرهنگ عمومی هر جامعه‌ای، دسته‌ای از عقاید و رفتارها به عنوان امور نیک و پسندیده و دسته‌ای دیگر به عنوان امور زشت و ناپسند مورد اثبات و نفی قرار می‌گیرند. ترغیب و مراقبت عمومی نسبت به هنجارها و ناهنجاری‌ها، هم به استحکام پایه‌های فرهنگی این امور دائماً کمک می‌کند و هم با نزدیک کردن افراد جامعه به یکدیگر، زمینه تجهیز و ترکیب منابع قدرت و به‌ویژه منابع انسانی را فراهم آورده و می‌تواند به تولید قدرت غیرساختاری بزرگی منجر شود. این امور و حمایت از آنها، به صورت پراکنده در بعضی از قوانین و لوایح مجلس و دولت و ارگان‌های دیگر به چشم می‌خورد که البته تا قبل از تصویب «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» به صورت متمرکز و شفاف نبوده و بنابراین چندان در عرصه عمل به ظهور نرسیده که در ادامه به بیان این پیشینه تقنینی در قوانین عادی و طرح‌ها و لوایح خواهیم پرداخت.

### ۲-۲-۱. قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده (۱۳۶۰/۰۸/۰۷)

در قانون فعالیت احزاب، به موجب ماده (۳) این قانون، در خصوص تعریف «انجمن اسلامی» این چنین آمده است: «تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان واحد که هدف آن شناختن و شناساندن اسلام، امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغ و گسترش انقلاب اسلامی باشد».

### ۲-۲-۲. قانون خطمشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۱/۰۴/۱۷)

در این قانون علاوه بر آنکه ترتیباتی مقرر شده که اساساً تعبیری مجدد از همان امر به معروف و نهی از منکر است، به نقش صدا و سیما در نظارت بر سایر اجزای حکومت و فراهم کردن نظارت مردم بر حکومت اشاره شده و نظارت‌پذیری صدا و سیما هم مورد

توجه قرار گرفته است. در کنار این موارد، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از اصول حاکم بر فعالیت این نهاد، در ماده (۹) این قانون پیش‌بینی شده است: «پذیرش انتقادات و نظرات سازنده مردم و ایجاد رابطه متقابل با جامعه و منظور داشتن این وسیله به صورت جزئی از کل نظام اجتماعی جهت غنی کردن برنامه‌ها و نفی تأثیر یک جانبه» ماده (۴۰) این قانون مقرر می‌دارد: «در جهت تحقق رسالت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، صدا و سیما باید روحیه انتقاد سالم و سازنده و انتقادپذیری متواضعانه را در مردم، مسئولین و دست‌اندرکاران ایجاد کند، انتقادات مردم از مسئولین و توقعات آنها از مردم را بازگو نماید و با نفی روش‌های تخریبی و ضد اسلامی، زمینه مناسبی برای جلسات بحث و گفتگوی آزاد و برخورد سالم اندیشه‌ها فراهم آورد تا مردم خود به انتخاب احسن بپردازند.»

### ۳-۲-۲. قانون راجع به مجازات اسلامی (۱۳۶۱/۰۷/۲۱)

بند «۳» ماده (۳۱) قانون راجع به مجازات اسلامی، اولین قانون عادی است که بر این مقوله اشاره کرده و به آن ابعاد کیفری داده است. با توجه به التهاب فکری و شور انقلابی مردم در دهه نخست انقلاب اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از عوامل موجهه جرم تلقی گردید که بر اساس آن، در صورتی که ارتکاب جرم در مقام امر به معروف و نهی از منکر باشد، مرتکب به دلیل وجود عوامل موجهه جرم و بویژه زایل شدن عنصر قانونی، فاقد مسئولیت و در نتیجه مبرا از هرگونه مجازات می‌باشد. لازم به ذکر است این بند با اصل قانونی بودن جرم و مجازات که مورد تأکید قانونگذار بود در جهاتی منافات داشت و بدین سبب در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ قانونگذار آن را حذف نمود.

### ۴-۲-۲. آیین‌نامه اجرایی فعالیت انجمن‌های اسلامی (مصوب هیئت وزیران ۱۰/۰۷/۶۲)

در بند «ب» ماده‌ی (۳) به شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر اشاره شده است:  
- برخورد اصولی، منطقی و ارشادی با کلیه مظاهر فساد و تباهی در جهت ایجاد محیط کار سالم و مساعد برای رشد و شکوفایی فضایل اخلاقی و انسانی طبق ضوابط شرعی

بررسی جایگاه آمران به معروف و ناهیان از منکر در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر ۱۰۱

- تذکر و نصیحت برادرانه و اسلامی به هر یک از مسئولین و افراد در شرایط لازم و مناسب ضمن رعایت تقوا و اخلاق اسلامی و عدم دخالت در مسئولیت های مدیریت و هماهنگی با سیاست کلی دولت جمهوری اسلامی

- ارائه پیشنهاد عملی جهت امور و رفع نواقص و نارسائی ها در واحد مربوط به مسئولین

- تذکر کتبی، منطقی و مستدل به مقام مسئول

- انعکاس به مقامات مافوق از طریق مسئول انجمن اسلامی

#### ۵-۲-۲. قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش (۱۳۶۶/۱۱/۲۵)

در بند «۹» ماده (۲) این قانون آمده است: «تقویت روحیه دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه ای همگانی و متقابل.»

#### ۶-۲-۲. آیین نامه ی اجرایی انجمن های اسلامی واحدهای اداری (مصوب هیئت وزیران ۱۳۶۸/۰۵/۰۷)

در بند «ب» آیین نامه آمده است: اهتمام در تحقق بخشیدن امر به معروف و نهی از منکر برای پاسداری از ارزش های اسلامی از طریق:

- برخورد اصولی و منطقی و ارشادی با کلیه مظاهر فساد و تباهی در جهت ایجاد محیط سالم و مساعد برای رشد و شکوفایی فضائل اخلاقی.

- تماس و مذاکره خصوصی با توجه به مراتب امر به معروف و نهی از منکر در چارچوب احکام شرعی.

- گزارش کتبی، مستدل و محرمانه به مقام مسئول.

- گزارش موضوع به مقامات ذیصلاح نظیر حراست، هیئت رسیدگی به تخلفات اداری، کمیته های انضباطی و مقامات دستگاه مربوط و در صورت عدم اخذ نتیجه به مسئولان کشور.

## ۲-۲-۷. قانون حمایت قضایی از بسیج (۱۳۷۱/۱۰/۰۱)

بر اساس ماده (۱) این قانون که آورده است: «افرادی که دارای مجوز از نیروی مقاومت بسیج هستند در صورت برخورد با جرایم مشهود و عدم حضور ضابطین دیگر یا عدم اقدام به موقع آنها و با اعلام نیاز آنها به منظور جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضایی، اقدامات لازم را به عمل می‌آورند». بر اساس برداشت تفسیری از این ماده می‌توان گفت هدف از این اقدامات نه صرفاً جلوگیری از امحای آثار و علایم جرم یا فرار متهم بلکه امر به معروف و نهی از منکر به مفهوم شرعی آن نیز هست. شاید به همین دلیل است که در ماده (۱۱) این قانون آمده است: «آموزش‌های عقیدتی و احکام امر به معروف و نهی از منکر و همچنین آموزش‌های قضایی راجع به تشخیص جرایم و قوانین مربوطه و توجیهاات اجرایی، توسط معاونت عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در این نیرو انجام و پس از قبولی در امتحانات مجوز لازم صادر می‌شود». مواد (۱۲) و (۱۳) این قانون اصل را بر اعتبار قدرت تشخیص اعضای این نیرو دانسته و هرگونه برخورد متهمین با آنها را برخورد با ضابطین دادگستری تلقی نموده است و نیروهای نظامی و انتظامی را به حمایت از این افراد ملزم نموده است. قابل ذکر است به موجب تبصره (۲) ماده (۱۷) قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، تبصره (۳) ماده (۱) قانون حمایت قضایی از بسیج بدین شرح اصلاح شده است: «ستاد امر به معروف و نهی از منکر با همکاری سازمان بسیج مستضعفین برای مرتبه عملی امر به معروف و نهی از منکر موضوع ماده (۴) قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر برای افراد مورد نیاز از سازمان بسیج مستضعفین به عنوان ضابطان امر به معروف و نهی از منکر دوره آموزشی برگزار کند».

## ۲-۲-۸. راهکارهای اجرایی حوزه‌های بخشی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی،

### اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب هیئت وزیران ۱۳۷۹/۱۰/۲۱)

در این سند در بخش فرهنگ و هنر و تبلیغات اسلامی در مورد امر به معروف و نهی از منکر آمده است: «سازمان صدا و سیما و دستگاه‌های فرهنگی کشور موظفند مطالعات و تحقیقات لازم را در خصوص گسترش وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و ترویج

بررسی جایگاه آمران به معروف و ناهیان از منکر در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر ۱۰۳

فرهنگ نظارت همگانی به عمل آورده و نسبت به تولید برنامه‌ها و محصولات فرهنگی متناسب با این امر اقدام کنند.»

### ۸-۲-۲. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳/۰۶/۱۱)

در ماده‌ی (۱۰۶) این قانون آمده است: «دولت مکلف است به منظور تعمیق ارزشها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی-ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی، اقدام‌های ذیل را انجام دهد: بسط آگاهی‌ها و فضائل اخلاقی در میان اقشار مختلف مردم و زمینه‌سازی اقدام‌های لازم برای ایجاد فضای فرهنگی سالم و شرایط مناسب برای احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به آن...»

### ۳. بررسی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

«طرح امر به معروف و نهی از منکر» که از سوی دولت به مجلس تقدیم شده بود، در تاریخ ۱۳۸۹/۳/۲ با قید یک فوریت در دوره هشتم مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد که با توجه به حساسیت‌هایی که پیرامون آن وجود داشت در دوره‌ی مذکور به تصویب نهایی نرسید؛ از این رو طرح مذکور مجدداً در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۲۰ اعلام وصول گردید. با عنایت به اهتمام نمایندگان مجلس شورای اسلامی به این موضوع و همچنین وصول طرح دیگری با عنوان طرح «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» در قالب یک ماده واحد در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۳ سرانجام مقرر گردید طرح‌های مزبور در کمیسیون مشترکی متشکل از نمایندگان کمیسیون فرهنگی و قضایی-حقوقی به صورت تجمیع شده مورد بررسی قرارگیرد. قانون حاضر نتیجه بررسی‌های کمیسیون مشترک مزبور می‌باشد که در قالب بیست و چهار ماده و نوزده تبصره، در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و سوم فروردین ماه یکهزار و سیصد و نود و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۲ به تأیید شورای نگهبان رسید.

قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر باید دارای شرایطی باشد تا به اجرای حکم الهی و آن رفتاری که فقه، آن را تکلیف آحاد مؤمنین می‌داند یاری رساند. شاخص‌هایی را برای قانون مذکور می‌توان ضروری دانست که در ذیل به آنها اشاره

می‌شود. ذکر شاخص‌ها به معنای رعایت یا عدم رعایت این موارد توسط قانون مذکور نخواهد بود؛ به عبارت بهتر هر اندازه که این شاخص‌ها در قانون فوق‌الذکر بیشتر رعایت شده باشد مترقی‌تر و هر اندازه که از این شاخص‌ها دور باشد، به همان نسبت دارای نواقص بیشتری خواهد بود.

۱-۳. قانون امر به معروف و نهی از منکر باید حدود امر به معروف و نهی از منکر را تعیین کند؛ همان چیزی که در اصل هشتم قانون اساسی به آن اشاره شده است. تعیین حدود امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند معانی متعددی داشته باشد. یک معنای آن، این است که تفاوت آن با سایر رفتارها و شیوه‌های تعامل معلوم باشد. مثلاً تفاوت امر به معروف با آموزش و تمایز نهی از منکر با مجازات را می‌توان ذکر کرد. از این منظر قانون مزبور باید مرزهای امر به معروف و نهی از منکر را برای آمر و مأمور شفاف و واضح کند. معنای دیگر تحدید آن است که حدود عمل آمر و ناهی یا مأمور و منهی در قانون مشخص شود.

۲-۳. قانون امر به معروف و نهی از منکر باید به اندازه مقدور، انعطاف و عمومیت داشته باشد؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر در عین این‌که دارای مرزهایی با سایر شیوه‌های تعامل اجتماعی است، گستردگی بسیاری دارد. مصادیق معروف و منکر فراوان و گسترده-اند و هم آمر و ناهی یا مأمور و منهی می‌توانند بر حسب جایگاه، منزلت اجتماعی و موقعیت خود، شرایط مختلفی داشته باشند. لذا قانون مذکور باید در حدی انعطاف داشته باشد که بتواند همه این گستردگی و تنوع را شامل شود.

۳-۳. قانون امر به معروف و نهی از منکر باید موانع را از برابر این فریضه بردارد: اگر اجرای امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه الهی، نیاز جامعه مؤمنین است، قانون از آن جایی که باید پاسخگوی نیاز جامعه باشد، باید اقداماتی را در جهت تقویت امر به معروف و نهی از منکر پیش‌بینی کند.

با توجه به ویژگی‌های فوق می‌توان به مجموعه‌ای از راهبردها برای تدوین قانون مذکور دست یافت:



انعطاف و عمومیت	تحدید	تقویت	اجزای قانون / راهبرد قانون
	محدود ماندن امر و نهی به تذکر گفتاری یا نوشتاری		امر و نهی
تعریف معروف و منکر به گونه‌ای که شامل انواع گسترده و متنوع تخلفات و الزامات از منظر شرع و قانون شود	محدود کردن مأمور به و منهی عنه به معروف و منکر علنی یا دارای تبعات اجتماعی	تعریف روشن و دقیق از معروف و منکر	مأمور به و منهی عنه
	محدود کردن دامنه‌ی عمل آمر و ناهی برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی	صیانت و حفاظت از آمر و ناهی از تبعات احتمالی امر و نهی	آمر و ناهی
	حفاظت و صیانت از مأمور و منهی در برابر آمر و ناهی	محدود کردن واکنش احتمالی مأمور و منهی علیه آمر و ناهی	مأمور و منهی

جدول ۱: راهبردهای قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر بر حسب اجزای مختلف آن

#### ۴. شرایط اجرای امر به معروف و نهی از منکر از منظر قانون اخیر

در این قانون شرایطی برای اقدام به این فریضه الهی فرض شده است. البته این شرایط به صورت پراکنده در ماده‌های مختلف آن بیان گردیده که می‌تواند نقطه ضعفی برای این قانون تلقی گردد اما از سوی دیگر با بررسی و دقت نظر در این شرایط، متوجه خواهیم شد که شرایط به صورت تخصصی و دقیق و با نگاهی ریزبین مشخص گردیده است که نشان از قوت این قانون در این زمینه دارد. این ضوابط را می‌توان در چهار محور مورد بررسی و کنکاش قرار داد:

- علنی بودن رفتاری که خلاف و منکر بوده است (ماده ۳) و عدم تجاوز به حقوق و حریم خصوصی افراد (ماده ۵)
- عدم اقدام عملی برای آمر و ناهی و جواز انکار قلبی، زبانی، نوشتاری (ماده ۴)

- عدم توسل به اعمال مجرمانه در اجرای امر به معروف و نهی از منکر (ماده ۶)  
- بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی (تعلیم و تعلم) قبل از اجرای امر به معروف و نهی از منکر (ماده ۱۰)  
این شرایط در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در ضمن آن به نقاط قوت و ضعف قانون در این موارد اشاره خواهد شد.

#### ۱-۴. علنی بودن رفتار

ملاک تشخیص علنی و مشهود بودن رفتار و وقوع منکرات را می‌توان از ماده (۴۵) قانون آیین دادرسی کیفری جدید (مصوب ۱۳۹۲) استنباط نمود، زمانی منکر علنی و مشهود خواهد بود که شامل یکی از بندهای مذکور در این ماده باشد. برای تشریح علنی بودن می‌توان متذکر شد که علاوه بر علنی بودن رفتار، باید عمل آمر و ناهی بدون تجسس باشد. چنان‌که در ماده (۳) قانون به آن تصریح شده است.<sup>۴</sup> همچنین در راستای تفصیل این شرط، ماده (۵) این قانون اشعار می‌دارد که: «در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند. تبصره- اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست.» که می‌توان این ماده را مترقی و ضامن حقوق شهروندان و یکی از نقاط قوت این قانون دانست؛ چنان‌که در راستای پاسداری از قانون اساسی و حقوق ملت که در فصل سوم قانون اساسی به آن تصریح شده و صیانت از آزادی‌های بنیادین گام برداشته شده است و تمام موارد مذکور در ماده (۵) برای تأمین امنیت شهروندان است. امنیت در اصطلاح عبارت از اطمینان خاطر است که بر اساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند. (آشوری و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸)

#### ۲-۴. عدم اقدام عملی

ماده (۴) قانون حمایت از آمران و ناهیان اشعار می‌دارد که: «مراتب امر به معروف و نهی از منکر، قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و مرتبه عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده تنها وظیفه دولت است.» بنابراین عدم اقدام عملی برای آمر و ناهی و جواز انکار قلبی، زبانی، نوشتاری، به عنوان شرطی برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر ضروری می‌باشد. البته ارجاع امر و نهی عملی به مأموران دولتی، به‌طور مطلق از مردم سلب مسئولیت نمی‌کند؛ زیرا در پاره‌ای از موارد، چه بسا منکری که در حال وقوع است به قدری دارای اهمیت باشد که باید در هر صورت از آن جلوگیری کرد؛ هر چند به قتل مرتکب آن منجر شود. به عنوان نمونه یکی از فتاوای امام خمینی<sup>(ره)</sup> در این زمینه، قابل توجه می‌باشد. ایشان با آنکه همانند سایر فقها، آسیبی را که منجر به جرح یا قتل شود جایز نمی‌داند، می‌گوید: «اگر منکر از مواردی است که خداوند به هیچ وجه راضی به تحقق آن نباشد مانند کشتن انسان بی‌گناه، در این صورت، نهی از منکر حتی اگر منتهی به مجروح شدن یا کشتن شود، جایز بوده و نیازی به اجازه از امام یا فقیه نمی‌باشد.» (الموسوی الخمینی، ۱۳۸۴، ص ۴۸۱) روشن است که این‌گونه اقدامات، اختصاص به زمانی دارد که دسترسی به مقامات انتظامی و قضایی در لحظه وقوع جنایت، ممکن نباشد.

بدین ترتیب در زمان حاضر که حکومت اسلامی وجود دارد و نهادهای خاصی مأموریت مبارزه با منکرات را بر عهده دارند مردم صرفاً وظیفه امر و نهی قلبی و زبانی دارند و اقدام عملی برای جلوگیری از منکر در هر مرتبه و سطحی، وظیفه مقامات صلاحیت‌دار دولتی است، مگر آن‌که:

- منکر از مواردی باشد که در هر شرایطی باید از وقوع آن جلوگیری کرد؛ مانند قتل انسان بی‌گناه یا تجاوز به نوامیس مسلمانان.

- در زمان وقوع منکر، دسترسی به مقامات انتظامی و قضایی، ممکن نباشد.

#### ۳-۴. عدم توسل به اعمال مجرمانه

مجازات‌هایی که در فقه اسلامی برای متجاوزان به حقوق دیگران مقرر شده، ضرورت امنیت و حفظ حیثیت، مال و جان انسان‌ها و اهمیت و حرمت آن را از دیدگاه اسلام

نشان می‌دهد. اسلام به انسان اجازه می‌دهد برای تأمین امنیت خویش در برابر تعرض ظالمانه دیگران نسبت به ناموس، مال، جان، مسکن و سایر حقوق خود، وابستگان و حتی دیگران دفاع کند و بلکه بالاتر، آن را واجب می‌داند و در مواردی تسلیم شدن در برابر تعرضات متجاوزین را حرام می‌شمارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از دستورات حیات بخش اسلام در جهت تأمین حقوق و آزادی‌های مشروع ملت به تضمین امنیت‌های فردی و عمومی پرداخته و برخی از اصول خود را بدان اختصاص داده است. اصل (۲۲) را می‌توان نمونه‌ای از این اصول دانست که اشعار می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» بنابراین منظور از امنیت فردی به معنی اخص کلمه این است که فرد از هرگونه تعرض و تجاوز مانند قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و سایر اعمال غیرقانونی و خودسرانه و یا اعمالی که منافی شئون و حیثیت انسانی اوست مانند اسارت، تملک و بهره‌کشی، بردگی، فحشا و... مصون و در امان باشد و آن پایه و اساس تمام آزادی‌هاست که با فقدان آن سایر آزادی‌های فردی معنی و مفهوم خود را از دست می‌دهد. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰، ص ۶۳)

ماده (۶) قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر نیز از این موضوع غفلت نورزیده و اشعار می‌دارد که: «هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افتراء، ضرب، جرح و قتل مبادرت نماید. مرتکب طبق قانون مجازات اسلامی، مجازات می‌شود» منتها به مراتب امر به معروف و نهی از منکر از موانع مسئولیت کیفری افراد نیست و این ماده مربوط به حمایت از آمر و ناهی نبوده و در راستای محدود کردن آمر و ناهی و با رویکردی حمایتی از مأمور و منهی، به حمایت از آزادی‌ها و حقوق شهروندان برخاسته است. در این ماده ذکر نام اعمال مجرمانه تمثیلی بوده است و جنبه حصری ندارد که این معنا با توجه به کلمه‌ی «از قبیل» در ماده (۶) قابل برداشت است و ذکر جرم‌های توهین، افتراء، ضرب، جرح و قتل از باب تمثیل است.

پس از حمایت از مأمور و منهی در برابر تجاوزات احتمالی آمر و ناهی، این قانون بلافاصله در ماده‌ی (۷) می‌فرماید: «مجازات اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت

به آمر به معروف و ناهی از منکر نمایند، قابل تخفیف و یا تعلیق نیست و صدور حکم مجازات قابل تعویق نمی‌باشد. تبصره - چنانچه مجنی‌علیه یا اولیای دم از حق خود گذشت نمایند، جنبه عمومی جرم حسب مورد مطابق ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲) و تبصره ماده (۲۸۶) از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ رسیدگی می‌شود. این ماده که شاید آن را مهمترین ماده این قانون و به نوعی هدف اصلی از تصویب این قانون دانست که در راستای رسالت خود به حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر پرداخته است و زمینه قانونی آن را در اصول قانون اساسی می‌توان اصل هشتم به صورت مستقیم و اصول سوم، چهارم و دوازدهم به صورت ضمنی دانست. این ماده مجازات اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر را حتی در صورت وجود جهات تخفیف، قابل تخفیف نمی‌داند.

با توجه به فلسفه وجود جهات مخفّفه برای مجرم که تخفیف مجازات از میزان تقصیر و مسئولیت بزهکار هیچ‌گاه نمی‌کاهد، بلکه این تخفیف پاداش مساعدت بزهکار در کشف جرم و یا جبران پوشش بزهکار در ترمیم آثار زیانبار و صدمات احتمالی ناشی از جرم است (اردبیلی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۷)، می‌توان نتیجه گرفت که عدم تخفیف مجازات برای مأمور و منهی که در ماده (۷) قانون حمایت از آمران و ناهیان مقرر شده است و به صورت مطلق می‌باشد، محلّ تأمل است. همچنین در تبصره این ماده برای حمایت از آمر و ناهی مجازاتی به عنوان جنبه‌ی عمومی جرم قائل شده و به عبارتی برای آن حیثیت عمومی قائل است که با توجه به ماده‌ی (۶۱۴) قانون تعزیرات و تبصره ماده (۲۸۶) ق.م.ا ملاک قانونگذار در این مورد حفاظت و صیانت از «نظم عمومی» جامعه است که این تلاش قابل تقدیر است چرا که اخلال در نظم عمومی جامعه باعث برهم خوردن و تشویش افکار و اذهان عمومی شهروندان خواهد گردید.

بنابراین علاوه بر این که باید آمر و ناهی معروف و منکر را بشناسد، احتمال بر تأثیر دهد، مخاطب را مصرّ بر گناه بیابد و فرض بر عدم وجود مفسده و ضرر جانی و مالی، ماده (۸) قانون حمایت از آمران و ناهیان اشعار می‌دارد: «مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چهارچوب شرع و قوانین می‌توانند نسبت به مقامات، مسؤولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای

سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند.» در این ماده به دعوت به خیر، نصیحت و ارشاد تصریح شده است که نشان‌دهنده زمینه بودن آنها برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر است. همچنین در راستای اجرای اصل هشتم قانون اساسی در این ماده مجوز اقامه امر به معروف و نهی از منکر به تمام صور آن (به جز مرحله انکار عملی) برای مردم در مقابل دولت و نهادهای حاکمیتی داده شده است که نشان از جامع بودن قانون اخیر است.

#### ۴-۴. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی

انسان از دو طریق به انحراف کشانده می‌شود: ظلم و ستمگری و پایمال کردن حقوق یکدیگر که به خروج از مسیر عدالت منتهی می‌شود و جهالت و نادانی که به گمراهی و اشتباه می‌انجامد. (کیخا، ۱۳۸۹، ص ۷۹) خروج از عدالت و جهالت و نادانی، انسان را از تعادل خارج ساخته و به افراط و تفریط در امور سوق می‌دهد. برای جلوگیری از افراط و تفریط در تربیت انسان باید دو رکن را در نظر گرفت: نخست، معرفت بشر به حقوق خود و سپس آشنایی با حدودی که دارد؛ زیرا انسان با حقوق و حدود معینی در طبیعت آفریده شده است. برای نمونه، بشر حق دارد در سخن گفتن آزاد باشد، اما حق او حدی دارد و زبان آزاد نیست به دیگران دشنام دهد یا غیبت کند. (کیخا، ۱۳۸۹، ص ۸۰) این تربیت که در جلوه‌های امر به معروف و نهی از منکر از آن تعبیر به «تعلیم و تعلم» کردیم، زمینه اقامه فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. به عبارت دیگر اگر ابتداء تعلیم و تربیت و بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی مردم و آموزش به درستی انجام نگیرد، چه انتظاری می‌توان از شهروندان یک جامعه داشت تا با یکدیگر به مهربانی و محبت و در جهت تکمیل یکدیگر قدم بردارند.

یکی از شاخه‌های اصلی تربیت، فرهنگ سازی برای تحقق امر مطلوب است. این مهم در قانون حمایت از آمران و ناهیان، مورد توجه قرار گرفته و در ماده (۱۰) آن اشعار می‌دارد که: «وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان صدا

و سیمای جمهوری اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان بسیج مستضعفین، شهرداری‌ها و سایر نهادها و دستگاه‌های فرهنگی مکلفند شرایط اقامه امر به معروف و نهی از منکر و بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در این خصوص را از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی فراهم کنند». همچنان که مشاهده می‌شود بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی (بند ۲) در زمینه ترویج و اجرایی شدن امر به معروف و نهی از منکر در ماده (۱۰) قانون حمایت از آمران و ناهیان، عینیت یافته است که در بند یک آن ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی را همراه و قرین برای ترویج معروف و از بین رفتن منکر می‌داند.

بنابراین مقوله آموزش و تربیت، بسیار مهم است که با فرهنگ‌سازی از طریق سازمان‌های مردم نهاد و بسیج در این قانون به آن توجه شده است. نهاد بسیج در این قانون طبق ماده (۱۷) مجاز برای امر و نهی زبانی بوده و علاوه بر آن در تبصره (۳) آن مجاز برای امر و نهی عملی خواهد بود که در زمینه اخیر برگزاری دوره‌های آموزشی برای آنان را لازم می‌داند که برای اعمال نظارت بر این امور به کمیسیون فرهنگی مجلس تکلیف شده تا گزارش عملکرد سالیانه ستاد را بررسی نماید. در این راستا به انواع حمایت‌های انجام شده از آمران و ناهیان در قانون مذکور اشاره می‌کنیم.

ردیف	نوع حمایت	مستند قانونی
۱	تثبیت و تأکید بر حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد برای مردم در مقابل دولت و حاکمیت	م (۸) ق. حمایت از آمران و ناهیان
۲	جرم‌انگاری برای ایجاد مانع بر اجرای امر به معروف و نهی از منکر	م (۹) ق. حمایت از آمران و ناهیان
۳	ایجاد شعب ویژه برای رسیدگی به جرایم موضوع این قانون در قوه قضائیه	م (۱۱) ق. حمایت از آمران و ناهیان
۴	پرداخت دیه و خسارات وارده به آمر و ناهی از سوی دولت	م (۱۳) ق. حمایت از آمران و ناهیان
۵	احراز شهادت یا جانبازی برای آمر و ناهی	م (۱۵) ق. حمایت از آمران و ناهیان
۶	شمول حمایت‌های قضائی از بسیج در مورد آمر و ناهی	تبصره م (۱۱) ق. حمایت از آمران و ناهیان + م (۴) ق. حمایت از بسیج

جدول ۲: انواع حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در قانون جدید

### جمع بندی

گاه امر به معروف و نهی از منکر به صورت گفتار و نوشتار است و گاه به شکل عمل و وادار نمودن و گاه به برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی نیاز دارد و بالاخره ممکن است به صورت اجبار نیز تحقق پیدا کند. طبیعت امر به معروف و نهی از منکر با معنی تعلیم و ارشاد و نصیح متفاوت و به گونه‌ای است که متلازم با عمل و تحقق معروف و ریشه‌کن شدن منکر می‌باشد و به همین دلیل، این مرحله پس از انجام مراحل سه‌گانه تعلیم و ارشاد و نصیح انجام می‌گیرد و قبل از اتمام این مراحل توسل به امر به معروف و نهی از منکر نادرست و با موازین اسلامی وفق نمی‌دهد. همان‌گونه که قرآن به صراحت مسئولیت‌طلبی را موکول به تعلیم و ارشاد می‌داند: «و ما کُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا». (اسراء، آیه ۱۵) امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از اصول قانون اساسی (اصل هشتم) مطرح شده است که در دین مبین اسلام جایگاهی مهم و رفیع دارد؛ از این جهت طبیعی است که از ابتدای استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران تا کنون همیشه دغدغه، نگرانی و به تبع آن عزمی برای ترویج و تثبیت امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه دینی در فرهنگ عمومی و رفتار مردم جاری و حاکم بوده است. این امور و حمایت از آن‌ها، به صورت پراکنده در بعضی از قوانین و لوایح مجلس و دولت و ارگان‌های دیگر به چشم می‌خورد که البته تا قبل از تصویب «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» به صورت متمرکز و شفاف نبوده و بنابراین چندان در عرصه عمل به ظهور نرسیده است. در این قانون شرایطی برای اقدام به این فریضه الهی فرض شده است: علنی بودن رفتاری که خلاف و منکر بوده است و عدم تجاوز به حقوق و حریم خصوصی افراد، عدم اقدام عملی برای آمر و ناهی و جواز انکار قلبی، زبانی، نوشتاری، عدم توسل به اعمال مجرمانه در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، حفظ چاب‌چوب شرع و قوانین برای آمر و ناهی و بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی (تعلیم و تعلم) قبل از اجرای امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان از جمله این شرایط دانست. این شرایط به حمایت از آمران و ناهیان پرداخته و همچنین آن‌ها را محدود داشته تا در بعضی موارد از سوء استفاده‌های احتمالی جلوگیری کند. برای مثال اگر کسی در مقابل آمران و ناهیان به اعمال مجرمانه متوسل شود دارای ضمانت اجرای کیفری و حقوقی خواهد بود و در مقابل، اگر



آمران و ناهیان در اجرای وظیفه خود نیز اعمال مجرمانه انجام دهد دارای مجازات خواهد بود و از شمول حمایت قانون مذکور خارج می‌گردد. بنابراین این شرایط برای چتر حمایتی قانون لازم و ضروری است.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان بیان داشت که در نظام حقوقی حال حاضر کشورمان، عنصر «امر به معروف و نهی از منکر» مورد حمایت جدی قرار گرفته و جای تقدیر دارد؛ البته برخی نقاط ضعف نیز در قانون قابل مشاهده است که در صورت رفع آن‌ها می‌توان این قانون را کامل و دارای ضمانت اجرای قوی دانست. برای روشن شدن این نقاط کاستی، پیشنهادهایی را ارائه می‌داریم:

۱. در طراحی فرآیند امر به معروف و نهی از منکر در قانون جدید، از این نکته غفلت شده است که در کنار امر به معروف و نهی از منکر، عبارت «دعوت به خیر» نیز آمده است که لزوماً به امور واجب منحصر و محدود نیست و بین این دو تفاوت وجود دارد. بنابراین بهتر آن است که قانون اصلاح و این کاستی جبران شده و تعریف کاملی از امر به معروف و نهی از منکر ارائه شود و تفاوت آن‌ها با دعوت به خیر و نصیحت و ارشاد مشخص گردد و همچنین معین شود که حمایت قانونگذار شامل افرادی که در مقام نصیحت و دعوت به خیر نیز هستند (به معنی خاص کلمه) می‌شود یا خیر و اگر شامل آنها هم می‌شود، حدود و کیفیت آن نیز مشخص گردد.

۲. باید این نکته مورد توجه قرارگیرد که نباید نگاهی کاملاً فردی به اجرای این فریضه داشت چراکه امر به معروف و نهی از منکر نه به صورت فردی و مستقیم، بلکه به صورت غیرمستقیم و از طریق نهاد واسطه نیز قابل تصور است؛ به این معنا که فردی با مشاهده یک معضل اجتماعی، پیگیری آن را از مقامات و نهادهای مسئول مطالبه کند و یا این‌که در صورت مشاهده‌ی یک جرم و خلافی که در حال وقوع است و یا این‌که رخ داده است، به مقامات و نهادهای مسئول اطلاع‌رسانی نماید.

۳. با توجه به فلسفه وجود جهات مخففه برای مجرم که تخفیف مجازات از میزان تقصیر و مسئولیت بزهکار هیچ‌گاه نمی‌کاهد بلکه این تخفیف پاداش مساعدت بزهکار در کشف جرم و یا جبران پوشش بزهکار در ترمیم آثار زیانبار و صدمات احتمالی ناشی از جرم است. لکن می‌توان نتیجه گرفت که عدم تخفیف مجازات برای مأمور و منهی که در ماده (۷) قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مقرر شده است و به صورت

مطلق می‌باشد، محلّ تأمل است. بنابراین اگر کسی در مقابل امر و ناهی، جرمی انجام دهد برای مثال توهین کند و سپس پشیمان گردد، اگر شواهد و اوضاع و احوال حاکی از آن باشد که از کار خود پشیمان گشته و اظهار ندامت کند، عدالت اقتضا می‌نماید که تخفیفی برای آن مجرم در نظر گرفته شود. برای مثال اگر جوانی ۲۳ ساله، امر به معروف شود در مقابل مردی که ۵۰ سال سن دارد، طبیعتاً ممکن است پذیرش سخن جوان برای آن مرد دشوار بیاید و باید در این موارد با روش و افراد مخصوص وارد عمل شد؛ هم‌چنان که در آن روایت معروف که آمده است: امام حسن و امام حسین<sup>(ع)</sup> برای آموزش طریقه صحیح وضو گرفتن به پیرمردی که اشتباه وضو می‌گرفت، به روش غیرمستقیم و عدم رویارویی با آن شخص پرداختند. بنابراین بهتر آن است که آمران به این روش‌ها نیز توجه کرده و به عبارت جامع‌تر بحث «آسیب‌شناسی» امر به معروف و نهی از منکر که از وظایف «ستاد» است، توجه ویژه‌ای به آن مبذول گردد.

۴. پیشنهاد می‌گردد برای اعمال و وظایف ستاد امر به معروف و نهی از منکر نیز ضمانت اجرایی در نظر گرفته شود تا اهداف تعیین شده برای این ستاد، در عمل نیز محقق گردد که این مهم می‌تواند در قالب آیین‌نامه اجرائی این قانون میسر گردد.

۵. پیشنهاد می‌شود علاوه بر سامانه تلفنی ۱۹۷ که مربوط به پلیس نیروی انتظامی در ارتباط با شکایات و درخواست شهروندان از مراجع عمومی و مأمورین دولتی است، سامانه دیگری برای انتقادات و پیشنهادات و اعتراضات به امور خاص<sup>(۱)</sup> امر به معروف و نهی از منکر در نظر گرفته شود و با جدیت به پاسخگویی در آن پرداخته شود.

## یادداشت‌ها

- ۱- «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده‌ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر.»
- ۲- «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، ۱۲۵)
- ۳- مردان و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند. به نیکی فرمان می‌دهند و از ناشایست باز می‌دارند. (توبه، ۷۱)
- ۴- «امر به معروف و نهی از منکر در این قانون ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد.»

## فهرست منابع

### الف. فارسی

- ۱- آشوری و همکاران، محمد (۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۲- ایزدهی، سید سجاد (۱۳۹۰)، مبانی فقهی نظارت بر قدرت از دیدگاه امام خمینی، تهران: نشر عروج..
- ۳- افرام البستانی، فواد (۱۳۷۶)، فرهنگ ابجدی (عربی - فارسی)، رضا مهیار، تهران: ناشر اسلامی
- ۴- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۹)، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان، ج ۲
- ۵- جرجانی، میر شریف (۱۳۷۷)، التعریفات، ترجمه حسن سید عرب و سیما نوربخش، تهران: نشر و پژوهش فروزان روز
- ۶- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۰)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۷- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۸)، مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: جهاد دانشگاهی

- ۸- الفیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۳۴۲)، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، ترجمه محمدعلی نجار، قاهره: المجلس الاعلی للشئون الإسلامیة، لجنة احیاء التراث الاسلامی، ج ۴
- ۹- قربانی لاهیجانی، زین العابدین (۱۳۷۹)، فریضه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و سنت، قم: الهادی
- ۱۰- کیخا، نجمه (۱۳۸۹)، عدالت اجتماعی، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، امر به معروف و نهی از منکر یا عامل انقلاب فرهنگی یا سیاسی، تهران: نشر دادگستر، ج ۲
- ۱۲- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

#### ب. عربی

- ۱۳- حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن (۱۳۷۶)، شرایع الاسلام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۱
- ۱۴- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۲)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۱۱
- ۱۵- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۸)، أجوبه الاستفتاءات، بیروت: الدار الإسلامی، ج ۱
- ۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹)، اصول کافی، تهران: ولی عصر، ج ۲
- ۱۷- المجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲)، بحار الأنوار، قم: مؤسسه الوفاء الطبعة، ج ۷۵ و ۱۰۰
- ۱۸- الموسوی الخمینی، سید روح‌اله (۱۳۸۴)، تحریر الوسیله، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱
- ۱۹- النوری الطبرسی، میرزا حسین (۱۳۶۷)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۱۲
- ۲۰- النجفی، محمد حسن (۱۳۵۱)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، قم: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۱

